

سرمقاله

مشکلات اجتماعی را سطحی نگیریم

حفیظ الله زکی

جنگ و نابسامانی های سیاسی و اجتماعی چهارده اخیر، میلیون ها انسان این سرزمین را به مهاجرت و ترک وطن وادار کرد. آن زمان مهاجرت برای پیدا کردن ثروت، سرمایه و زندگی مرفه تر صورت نمی گرفت؛ بلکه جنگ های ویرانگر خانه به خانه سبب شد تا مردم به خاطر محافظت از جان خود و اعضای خانواده شان راه مهاجرت در پیش گیرند.

از سال ۲۰۰۱ تاکنون علیرغم تمام تلاش هایی که از سوی دولت و جامعه بین المللی صورت گرفت، زمینه برگشت آبرومندانه مهاجران فراهم نگردید. مسکن، شغل و امنیت از مسایل مهمی بود که در برگشت مهاجرین نقش برجسته ایفا می نمود؛ اما مهاجرین در این عرصه ها از سوی حکومت مورد حمایت جدی قرار نگرفت. تعدادی زیادی از مهاجرین به امید کار و زندگی آبرومند در وطن برگشتند، ولی پس از مدتی به خاطر بیکاری و فقر ناگزیر به انتخاب مهاجرت دوباره به کشورهای خارجی شدند. بحران واقعی فرار مردم از کشور و بخصوص قشر جوان و تحصیلکرده جامعه، در سال گذشته رقم خورد. دهها هزار نفر از شهروندان کشور راه پر خطر قاچاق به کشورهای اروپایی را در پیش گرفتند و با عبور از کوه ها، دریاها و مرزها یا کشته می شدند و یا به یکی از کشورهای اروپایی می رسیدند. اکنون این جوانان و مردم در کمپ های مهاجرین شرایط سخت و دشواری را تجربه می کنند.

کشورهای اروپایی که در آغاز از پناهجویان استقبال کردند، با افزایش بی رویه مهاجران، سیاست و رویه شان را تغییر دادند و محدودیت های بیشتری را برای ورود و پذیرش مهاجران در کشورهای عضو شنگن اعمال کردند. اروپا در شش ماه گذشته به شدت تلاش کرده تا از طریق مذاکره و وعده های کمک به حکومت افغانستان، راه اخراج آن عده از پناهجویانی را فراهم سازد. که درخواست شان در کشورهای اروپایی رد شده است. اما خواست مردم و پناهجویان این است که حکومت افغانستان حداقل به اخراج اجباری پناهجویان موافقت نکند و روی برگشت داوطلبانه پناهندگان تاکید نماید.

در بررسی اجمالی دلایل مهاجرت مردم به کشورهای خارجی، در می یابیم که تشدید روز افزون ناامنی، بیکاری، فقر، یأس و ناامیدی از آینده، فساد گسترده و حکومت ناتوان و ضعیف که هیچ مشکلی از مشکلات مردم را حل کرده نمی تواند، از عوامل اصلی فرار مردم از کشور به شمار می رود. مهاجر پدیده مهاجرت زمانی امکان پذیر می شود که در زمینه های فوق تغییرات مثبتی رونما گردد، در غیر این صورت توقع برگشت مهاجران و یا معانعت از مهاجرت های بیشتر شهروندان کار عبث و بیفایده خواهد بود. این عوامل هم اکنون نیز با برجا بوده و نزدیک یک میلیون شهروند این کشور از بیکاری و فقر رنج می برند. براساس آمار بیش از هشت صد هزار نفر در کشور به کمک های فوری نیاز دارد و ۳۸ فیصد مردم زیر خط فقر قرار دارند. بنابراین حکومت بجای فراخوان پناهجویان در خارج باید در قدم نخست برای شهروندانی که در داخل افغانستان حضور دارند و برای کار و آبادی کشور آمادگی دارند تدابیر مؤثری بیندیشد.

وقتی ما یک میلیون بیکار داشته باشیم هیچ جای امنی برای ما در کشور وجود نداشته باشد. وقتی ولسوالی ها به گونه سؤال برانگیزی یکی پی دیگری سقوط کند و زمانی که جنگ با طالبان و داعش بایبجیدگی ها و ابهامات همراه باشد و هنگامی که حکومت در انجام مسئولیت های خود ناتوان و در مقابله بافساد ناکام باشد و شایسته سالیاری قربانی خویشخوری و باند بازی گردد و عدالت عامدانه ایامال گردد، قانون نادیده گرفته شود، رشوه خواری و اختلاس به اوجش برسد، صدای مظلوم در غوغای ستم پیشگی، شنیده نشود، قانون اهمیت و اعتبار خود را از دست بدهد و... شهروندان چگونه و از چه راهی می توانند کشور خود را آباد کنند. آبادی کشور در مرحله نخست وظیفه دولت است. سازمان ها و مقامات دولتی با همه قدرت، توان و امکانات خود تا چه حد برای آبادی این وطن کار کرده اند که حال ما از یک شهروند عادی، که به یمن درایت و دلسوزی حکمرایان از تهیه نان شب خود عاجز مانده است، توقع آبادانی وطن داشته باشیم؟

بیکاری؛ معضلی که جدی گرفته نمی شود

مهدی مدیر



در کشورهای همسایه همواره برای آنها درد سرساز بوده است و بسیاری اوقات صاحبان کارخانه ها و شرکت های ساختمانی، از این وضعیت آنها سوء استفاده کرده و ماه ها معاش آنها را پرداخت نکرده اند؛ علاوه بر اینکه خطر اخراج اجباری نیز هر لحظه آنها را تهدید می کند و نگرانی شان را افزایش می دهد. افزایش خشونت

یکی از پیامدهای دیگر بیکاری افزایش خشونت های اجتماعی و خانوادگی است. نبود کار باعث می شود فشار که روانی زیادی بر خانواده ها و مردم وارد شود و این فشارها میزان صبر، تحمل و سازگاری مردم را پایین می آورد و باعث می شود افراد در برخورد باهم دیگر به زودی خون گرم شوند و به درگیری فیزیکی متوسل شوند.

همچنان بیکاری زمینه را برای خشونت های تروریستی فراهم می سازد و گروه های تروریستی سعی میکنند با بهره برداری از این وضعیت به جذب جوانان بیکار و غرق در مشکلات اقتصادی بپردازند. گزارش های زیادی در رسانه ها نشر شده است که شهروندان کشور به دلیل نبود کار و فقر شدید اقتصادی به گروه های تروریستی پیوسته است و آنها

دیگر طول می کشد و چند سال بعد ما صاحب بالسی کارایی خواهیم شد، اما آنچه از این گزارش ها بر می آید این است که هنوز نمی توان به بهبود وضعیت کارایی خوش بین بود و آرزوی های غریب و طویل نشر آمار پست های خالی حکومت وحدت ملی، شاید برای خیلی ها مثل من شوکه آور و تکان دهنده باشد. چطور امکان دارد این مقدار پست در حکومت خالی باشد اما بسیاری از مردم از بیکاری رنج ببرند و روزها پشت دروازه های بسته ی ادارات دولتی به دنبال کار باشند؟ آیا خالی بودن این پست ها به روندکار حکومت آسیب نمی رساند و باعث نمی شود که بسیاری از کارها انجام نشود و یا روند انجام آنها به کندی پیش برود؟ امورات این ادارات چگونه پیش می رود؟ بودجه ی آنها به کجا به مصرف می رسد؟ تکند این مقدار پست نیز توسط مامورین خیالی پر شده است؟ سئوالهای از این قبیل شاید در ذهن خیلی ها ایجاد شده باشد، اما هیچ پاسخ قناعت بخشی برای این سئوال ها وجود ندارد.

شاید مسئولین حکومت وحدت ملی از پیامدهای ناگوار بیکاری رنج نبرند، اما این پیامدها هر روز مردم را رنج می دهد و بر مشکلات آنها می افزای و افق آینده را برای

پیشتازی نامنظر "دونالد ترامپ" جنگ داخلی در میان راستگرایان آمریکائی

سرگی حلیمی/ مترجم: منوچهر مرزبانیان/ قسمت دوم



گیست "مأمور خصوصی امنیتی پیشین در لیبی که حالا سخنران گرانقیمت کنفرانس ها شده، جزئیات یورش ماه سپتامبر ۲۰۱۲ را به کنسولگری آمریکا در بنغازی روایت کرد — گیریم دراز نفسی های او گزافه تر از آن بود که مطلب مهمی را از گفته هایش دریابیم. آن شب در نتیجه شگافی که از تلقی وی برآمد، همه یکدل بودند: مسئول مرگ "جان کریستوفر استونین" سفیر آمریکا، اهمال خانم "کلینتون"، وزیر خارجه وقت پرزیدنت "اباما" بود. بدینسان فحواي کارزار را نه آمریکائی های خشمگین، قربانیان ناپایداری وضع زندگی، بیکاری، جابجائی بنگاه های اقتصادی بلکه همین گردهمائی به دست داد: تقریباً هریک از حاضران در اینجا می بایستی هزینه سفر، کرایه اتاق هتل و بهای شام خود را بپردازد، که معادل دو یا سه هفته دستمزد حداقل مبل است — ۷/۲۵ دلار در ساعات کمتر از ۶/۵۰ یورو، پایین ترین میزان در کشور. چنین درآمد نازلی، برای اینگونه مخارج کفایت نمی کند.

آیا بیزاری کادریهای جمهوریخواه از آقای "اباما" و خانم "کلینتون" خواهد توانست بی اعتمادی و بدگمانی را که آقای "ترامپ" در آنان برمی انگیزد در خود تحلیل برد؟ به گفته آقای "وگن بونه" که ریاست کمیته حزب در "الاباما" و ویژگی سیاهیوست بودن را نیز دارد، کار به این آسانی ها هم نیست. به زعم وی، محبوبیت کار چاق کن معاملات ملکی نیویورکی نزد انتداب کنندگان آمریکائی نشان از قدرتی نادر که با عریان نشان دادن حریم خصوصی

با کنشگران برانگیخته کانال تلویزیونی "فاکس نیوز"، شبکه های اجتماعی، یا دسیسه انگاری ها نیست. روز ۱۶ مارس، آقای "کروز" در "آرژونا" رسانه ها را متهم می کرد که «تقریباً همگی را هواداران جناح چپ می گردانند» و «همه هرچه در امکان دارند را به کار می بندند تا "دانالد" گزینه ما بشود، زیرا خوب می دانند که او یگانه نامزد روی زمین است که "هیلاری کلینتون" خواهد توانست شکست بدهد».

خانم "باربارا پرستیتر" عضو کمیته اجرائی حزب است؛ هشتاد ساله زنی استخوان دار و جزو نخستین پیوستگان به حزب جمهوریخواه، در ایالتی که یک صد و شش سال (از ۱۸۷۴ تا ۲۰۱۰)، دموکرات ها بر آن فرمانروا بودند؛ و حالا یکی از جمهوریخواه ترین ایالات کشور است. خانم "پرستیتر"، دوران "جورج والاس" ۱۹۹۸ — ۱۹۱۹افرنامدار دموکرات "الاباما" چهره ای جنجالی که غالباً با آقای "ترامپ" مقایسه می کنند را زیسته و بسا وی نبرد کرده بود. نطق های پیاپی ناپذیر "والاس" علیه دستگاه حاکم و روشنفکران، عوام فریبی نژادپرستانه و سرکوب خشنی که بر جنبش حقوق مدنی روا می داشت، تاریخ معاصر آمریکا را رقم زده اند.

"والاس" که چهار بار خود را نامزد ریاست جمهوری ایالات متحده کرده بود، در سال ۱۹۶۸ در پنج ایالت جنوبی، از جمله "الاباما" ۶۶ آرا به پیروزی رسید. نتیجه ای بیشتر از آنرو حیرت آور که او آنوقت با دو رقیبی دست و پنجه نرم می کرد که هر یک زننه ای بودند، یکی جمهوریخواه، "ریچارد نیکسون" که انتخاب شد، و دیگر دموکرات، "هوبرت هامفری" معاون رئیس جمهور ایزریدنت جانسون. میتینگ های "والاس" درست همانند میتینگ های امروز آقای "ترامپ" اغلب با جار و جنجال همراه بود. همین به آقای "والاس" رخصت می داد که به شیوه خود از پس اخلاگران برآید و از آنان بخواهد که خود را بشویند و ریششان را بتراشند. وقتی سرحال تر بود به آنها پیشنهاد می کرد که "کشف های صندل خود را چون اهدائیه ای پیشکش کنند." هنگام سومین دور نامزدی برای کاخ سفید در سال ۱۹۷۲، سو قصدی به جانش او را به روی صندلی چرخ دار نشاناد، بی آنکه اقتدر ها از عالی ترین مسند ایالتی برکنار دارد که چهاربار فرماندارش بود. به عقیده خانم "ان" به نت "دختر خانم" پرستیتر " که خود او هم مانند شوهرش "ک وین" از کنشگران حزب جمهوریخواه است.

اما به پروای مسلمانان بیچیدن او نیست که بیش از همه آزار می دهد. حتی طرح پیشنهادی شماره ۰۶ — ۲۰۱۶ سفارش می کرد که ایالات متحده از اعطای پناهندگی سیاسی به "پناهندگان از کشورهای بیوندهائی با اسلام تندرو دارند" خودداری ورزد؛ یکی از برگزیدگان جمهوریخواه در دفاع از این طرح می گفت که «احساس می کنیم که نمی توانیم مردم دنیا می خواهند به ایالات متحده بیایند و آمریکائی ها را بکشند.» احساس این نماینده، همانند کلی گوئی منتهی که پشتیبان آن بود، گواه شناختی بسیار تقریبی از سیاست بین الملل به دست می

کارتون روز



بدون شرح

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگتر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد. روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

افغانستان The Daily Afghanistan Daily Outlook AFGHANISTAN The Leading Independent Newspaper